

۱۶ زندگی ایران جامجم

تکمیلی

همه پاکبان‌های مشهد خادم امام رضا(ع) هستند

مهدی رضوی کیا
را در مشهدالرضا سپری می‌کنیم و شاهد پیک حضور زائران در مشهد هستیم. طبیعتاً هر وقت که جمعیت زوار در مشهد زیاد می‌شود، باید حجم خدمت به آنها هم متناسب با این جمعیت افزایش یابدکه بخش عمده‌ای از این خدمات خصوصاً در اطراف حرم مطهر توسط پاکبان‌های شریف ارائه می‌شود. به این حجم از جمعیت باید خدمات شایسته‌ای متناسب با شان آنها هم داده شود و از همین رو نیاز است شبانه روزی اطراف حرم نظافت شود و این نظافت مدام را کسی انجام نمی‌دهد جز پاکبان‌های خدوم منطقه ثامن و کل شهر مشهد. طبیعتاً ما به عنوان متولی زیارت در کشور باید هوای زوار و این پاکبانان را داشته باشیم. همین هم بود که حاج‌آقای مروی، تولیت آستان قدس رضوی به ما تاکید کردندکه از پاکبان‌ها تقدیر شود. این امر آن قدر برایشان مهم بودکه خودشان در مراسم حضور داشتند و در کنار تقدیر و خواندن نماز جماعت با پاکبان‌ها با آنها هم‌کلام و هم سفره شدند. به عقیده حاج‌آقای مروی خدمت به حضرت فقط خدمت داخل حرم نیست و هر کسی با هر نیتی که برای زائران حضرت در هر موقعیت جغرافیایی کار کند، خادم حضرت به شمار می‌رود و بااین حساب همه پاکبان‌های شهر مشهد خادم امام رضا(ع) هستند. طبق خواست تولیت آستان قدس قرار است از همه ۶۰۰۰ پاکبان شهر مشهد در حرم مطهر و مهمانسرای حضرت تجلیل شود که این امر تا آخر تابستان انجام خواهد شد. اما در اولین مرحله فعلاً از ۳۵۰ نفر از ۴۵۰ پاکبان اطراف حرم تجلیل شد و دعوت به عمل آمد، اما در مراحل بعد سایر پاکبان‌های اطراف حرم و سایر نقاط مشهد مهمان خان کریمانه امام هشتم خواهند بود.

طراح:بیژن گورانی

جدول شماره ۵۴۴۷

جدول عادی

افقی: ۱) مکتوب - بخش‌ها - جرقه آتش ۲) برنامه خانواده‌محور شبکه دو سیما- نگاه خیره ۳) ابزار دردگری- بسیار مرغوب - جانور خیالی ترسناک ۴) رمان مشهور امیل زولا - فرمان توقف - بزرگوار ی ۵) ودیعه- پرده سینما ۶) خوابیده - رودی در عراق - خون بها ۷) غیروحشی - پاییز عرب - ویروس سکی ۸) نقشه انگلیسی- غذای سنتی مقوی تابستانی که عطش را برطرف می‌کند- عرب می‌گوید: بگو ۹) تنگه حیاتی خاور میانه- اهل هرات- رواندید ۱۰) مقابل حاشیه - با ایمان- دانه‌های ریز گیاهی برای مداوای سرفه‌های مزمن ۱۱) از ایلخانات مغول- اپراتور ۱۲) متقارن- شتر تندرو- از ابزار زراعی ۱۳) نفیس سرکش - بینش- کامل و تمام ۱۴) صوت شگفتی- اثری از ناصرخسرو قبادیانی بلخی ۱۵) اسب سیاه - دایره‌ای شکل - یاقوت.

عمودی: ۱) گیاه بدون دانه - غمگین - تعجب زنانه ۲) چندوزیر- گزارش- پرهیزکار ۳) اثر جاودانه فردوسی که زبان فارسی را احیا کرد- ویران شده ۴) خیس- آثریمی در بزاقر- وسایل مورد نیاز۵) فریاد مهیب - سخنور- رویداد ۶) کمک‌های نقدی و غیرنقدی که برای انجام کار خیر جمع‌آوری می‌شود- استانی در شمال عراق - خراب کردن ۷) شایستگی- مرکز شهرستان دشتی در بوشهر- نام ترکی ۸) از آرایه‌های ادبی - چرخ دستی برای حمل مصالح ساختمانی- سرشار ۹) طلا- به یادماندنی و فراموش نشدنی- مدفن شهید مدرس ۱۰) ادا و اطوار- بسنده-

حل جدول عادی شماره ۵۴۴۶

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱
۱ د م و ن ا ل ی خ ر ا ب ا د ج
۲ د و ن ا ل ی خ ر ا ب ا د ج
۳ ا ت ی ک ی م ل ن ک ت ن د ی
۴ ا م ا ط ب ی ر و د ا ن
۵ ط م ه ا ک م ک ی ب ی ر و ع ل ک ن
۶ د ر ا ی و و ی ل ا د د ی ز ی و
۷ ی م م ت م ت خ ا د ل د د ن د ا ن
۸ ی ل و ه و ت د ر ک ی ب ا ر م د
۹ ا ت ا ل ی م ا ل ی ی ر د ا ن
۱۰ ل ی ا ی ی م ی م ی خ ی ا و ل
۱۱ ت ن د ن د ا ی ا و ی ک ت ت ب ن د ی
۱۲ خ ی ق ر ا ر د ی ن د د ه
۱۳ ق ا ی م ج ن ک ی د ب د ب
۱۴ ی س ا ی ا م و ن ی ی ا ی
۱۵ ق ا ل ی ج ه ب ی خ ا ن م ا ن



کلیورگان جهانی شد

کلیورگان چند سالی است که ثبت جهانی شده و شهره آفاق؛ همان روستایی که زیبایی سفالهای چندهزارساله اش زیانزد است و زانش چادر به کمر تولیدکننده این سفالهای باستانی، کلیورگان روستایی است در شهرستان سراوان سیستان و بلوچستان؛ استانی در جنوب شرقی ایران؛ کم آب و خشک و آفتاب زده. با این حال

شب نارنجی



فاطمه مرانداده

ایران

با همان لباس‌های سرتاپا نارنجی؛ همان لباس‌هایی که نشان زحمت و خستگی و بی‌خوابی است، آمده بودند به مهمانی؛ مهمانی شام کریم خراسان. از گرد راه رسیده بودند؛ از کوچه پس‌کوچه‌ها و خیابان‌های دور و اطراف حرم؛ همان‌جا که این روزها مملو از زوار است و زیر پایشان باید مثل صحن و سرای حرم آقا برق بزند. جارو هنوز دست‌شان بود که کیوتران حرم برایشان پیغام آوردند آقا دلش می‌خواهد امشب شما مهمان خوان پرنعمتش باشید. آقا امشب دلش هوای جاروکنان حرمش را کرده؛ هوای خادمین نارنجی پوش زوارش را؛ همان‌ها که بی‌ادعا، بی‌هیاهو، بی‌خواست و خواهش، از دل سحر تا ظل آفتاب در آتش باران روز و همه‌مه شب‌های پرفت و آمد حرم مطهر، یک چشم‌شان به گنبد طلایی آقااست و چشم دیگرشان به جارو و زباله‌های انباشت‌شده مجاوران و جمعیت میلیونی زواری که اگر دیر بچینند برای جمع کردنش، بی‌شک منظر زشت و بوی نامطبوعشان، طعم شیرین زیارت راتلخ و نامطبوع می‌کند برای زائر و مجاور

امشب اما شاه ولی نعمت خراسان خواسته، چراغ مهمانخانه‌اش را برای آنها روشن کند، برای تک‌تک‌شان پیام فرستاده که امشب بی‌واسطه، بی‌حضور رئیس و مدیر و همراه، چشم به راه‌شان است و تولیتش را کرده میزبان جسم خسته و تن رنجور و چشمان آرام و نجیب‌شان.

همین که به صحن طلایی سقاخانه رسیدند، دل‌شان آرام گرفت، مثل هر روز که پیش از دست به جارو شدن از چند قدمی حرم به گنبد آقا خیره می‌شوند و سلام می‌دهند. رواق

کلیورگانش حالا چند سالی می‌شود که چشم جهانیان را به سوی خود کشانده و محصولات دست زنان پیر و جوانش را به دنیا صادر می‌کند. معاون صنایع دستی سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری می‌گوید ثبت جهانی حال این روستا و سیستان و بلوچستان را خوب کرده و صادرات صنایع دستی استان رشد ۱۹۵

دارالاکرامه، اما چشم انتظارشان بود تا کمی بیاسایند و رودرو و چشم در چشم میزبان‌شان؛ تولیت و سرپرست آستان قدس، (همو که آقا به دلش انداخته بود خادمین زوارش را پای سفره‌اش بنشاند)، هم‌کلام شوند و هم نماز پای صحبت‌هایش نشستند. راحت و بی‌تکلف، سخنان تولیت دلگرم‌کننده بود. حال‌شان را خوب کرد. حجت‌الاسلام مروی به آنها گفت کارشان بارزش است و مثل جهاد در راه خداست. گفت اگر آن‌ها یک هفته نیاشند، زندگی برای شهروندان و زوار امکان‌پذیر نیست و اگر دو هفته جارو به دست نشوند، شهر را بیماری و آلودگی فرامی‌گیرد. به آنها گفت سرشان را بالا بگیرند و با افتخار بگویند پاکبان هستند. همین بود که وقتی سخنرانی به پایان رسید و مهمانسرای بست حر عاملی را نشان‌شان دادند، دل‌شان می‌خواست دیرتر به مهمانسرا برسند تا مجال بیشتری برای دست و روپوسی و حال و احوال با تولیت حرم داشته باشند و سرشان را نزد یک گوشش ببرند و درد دل‌هایی را که تا آن زمان، امکان گفتن‌اش به هیچ مدیر و رئیس نبود، در گوشش نجوا کنند.

حالا آنها ردیف به ردیف نشستند، روبه‌روی تولیت آستان قدس رضوی؛ با فاصله‌ای به کوتاهی چند ده سانتی‌متر، حتی درست کنار دستش، بی‌فاصله، بی‌پرده و مانع. انگار نه انگار بغل در بغل تولیت آستان مطهر امام هشتم شیعیان جهان نشستند؛ فروتنی و مهربانی میزبان، آرامش به دلشان انداخته و برق شادی در چشمان‌شان نشانده، غذا خوردن اینجا همان‌قدر راحت و آرامش‌بخش است که در خانه و جمع خانواده و مگر نه این‌که اینجا خانه‌ای است که صاحبخانه‌اش پدر و سایه سر همه ما ایرانیان شیفته خاندان عصمت و طهارت است.

یک مهمانی متفاوت

علی‌اصغر احسانی، جوان است و از همان اول که لباس نارنجی پاکبانی را تن کرده، یعنی شش سال پیش، در خیابان کاشانی نزدیک چهارراه مقدم، جارو کشیده؛ در چند قدمی حرم امام رضا. از خانه‌اش در مهرباد مشهد که بخواد خود را به محل خدمتش برساند، باید ساعت ۳ صبح بیدار شود، اما همین‌که صدای اذان صبح را از گلدسته‌های حرم بشنود و سلامی به گنبد حرم آقا بدهد، دلش آرام می‌شود و رنجش شب بیداری از دلش پر می‌کشد. همین دلش را خوش کرده و حاضر نیست کار پرزحمت خیابان‌های اطراف حرم را با کار در هیچ منطقه دیگری از مشهد عوض کند، هرچند بدش نمی‌آید به‌خاطر حجم کار زیاد التفات بیشتری به او و همکاری‌اش بشود. می‌گوید امام رضا(ع) بزرگ‌تر ماست و البته همه خواسته‌هایمان را از خودش می‌خواهیم. بار اولی نیست که مهمان خوان امام هشتم شده، دو سال پیش قبل از سفر اربعین و یک‌بار هم افطار سال گذشته، اما هیچ کدامش مثل این بار گرم و صمیمانه و رضایت بخش نبوده است.

حالا ما را هم می‌بینند و تحویل می‌گیرند

یکی از افتخاراتش می‌داند و البته این افتخار را گره می‌زند به کسب نان حلال و خدمت به مجاوران و زائران حرم امام رضا(ع). می‌گوید امام هشتم از همان روز اول ورود به مشهد مرا پذیرفت و جا و کار و روزی حلال به خانواده‌ام رساند. همین است که وقتی آقا به مهمانسرایش دعوتش می‌کند پر می‌کشد از شادی. او مثل سایر پاکبان‌ها سال گذشته هم چشمش به مهمانسرا افتاده، اما گرمی و صمیمیت مهمانی این بار چیز دیگری است. می‌گوید از سال گذشته ریاست آقای رئیس، پاکبان‌ها هم جایی در حرم و مهمانسرا دارند. تا پیش از آن کسی تحویلشان نمی‌گرفته.

با افتخار می‌گویم که پاکبان هستم



قربان فلاح از ده سال خدمت در شهرداری، همین شش سال آخرش را توفیق یافته هر روز اول به امام هشتم سلام بدهد و بعد جارو به دست شود. او ۴۷ سال دارد و حالا پاکبان خیابان نواب است. مهمانی حضرت حالش را خوب کرده؛ بهتر از هر زمان دیگری. می‌گوید قدر را می‌دانستیم، اما سخنان دلگرم‌کننده حاج‌آقای مروی باعث شد به شغلمان افتخار کنیم و سرمان را بالا نگه داریم و با افتخار بگوییم پاکبان هستیم. می‌گوید این غذا طعمش با دفعات پیش فرق داشت؛ طعم صفا و یکرنگی و مهربانی داشت و این عطر و طعم گوارا را رفتار انسانی تولیت آستان قدس به ما چشاند.

امام رضا(ع) صدایم زده است



برای سال‌ها کارگر گذری بوده و اگر جایی کارگر یا بنایی می‌خواستند، از سرگذر سوارش می‌کردند و پایان روز مرزدی کف دستش می‌گذاشتند. اما سال ۸۱ انگار آقا

صدایش زده و آورده کنار دست خودش، زیر سایه خودش. حالا ۱۷ سال است خادم و جاروکنش محله بازارچه حاج آقا جان است؛ بین شیرازی و طبرسی؛ مقابل چشم خود آقای مهربان مشهدی‌ها. حسین اشراقی ۵۵ سال دارد و بدون فرزند با همسرش روزگار می‌گذرانند و می‌گویند تا زنده هستم همین‌جا می‌مانم و به امام رضا و زوارش خدمت می‌کنم. به کارش افتخار می‌کند و می‌گوید زائران هم به او می‌گویند که باید به این کار و نزدیکی به حرم امام رضا افتخار کند.

اولین بار سال گذشته و زمان تولیت حجت الاسلام رئیس‌ی رنگ مهمانسرای حضرت را دیده و حالا هم دومین بار است پایش به این ضیافت باز شده. خوشحال است که حالا پاکبان‌ها دیده می‌شوند و شادی بیشتری از آن است که آنقدر عزیز و محترم شده اند که بالاترین مقام آستان قدس، کنارشان سر یک میز می‌نشینند و با آنها هم غذا و هم صحبت می‌شود.